

ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری

محمد مهرداد صدر^۱، نوشین خادم‌الرضا^۲، سحرناز اخباری^۳، مرضیه علمائی^۱، سیدسپهر هاشمیان^۱

- ۱- دانشجوی دکتره گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
 ۲- روانپزشک، استادیار، گروه روانپزشکی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روانپزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران، ایران.
 ۳- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

حکیده

تاریخ دریافت: ۱۳ دی ۱۳۹۵
 تاریخ پذیرش: ۰۱ مرداد ۱۳۹۶

اهداف: هدف این مطالعه بررسی ساختار عاملی و پایایی پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری ۲ بود.

مواد و روش‌ها: این تحقیق توصیفی و از نوع اعتبارسنجی است. ۲۸۱ نفر از دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند و به پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری ۲ پاسخ دادند. ساختار عاملی پرسش‌نامه با تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و پایایی ابزار با آلفای کرونباخ و روش آزمون‌بازآزمون بررسی شد.

یافته‌ها: نتیجه تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس راه حل‌های سه‌عاملی و چهارعاملی را نشان داد که به ترتیب ۴۵/۱۳ و ۵۲/۱۷ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های برازش بهتر راه حل سه‌عاملی را در مقایسه با راه حل چهارعاملی نشان داد که نشان‌دهنده برازش بهتر راه حل سه‌عاملی با داده‌ها و در جامعه ایران بود. آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر ۰/۶۵ بود و برای سه عامل از ۰/۵۲ تا ۰/۷۵ به دست آمد. ضریب همبستگی در روش آزمون‌بازآزمون ۰/۷۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار است. **نتیجه‌گیری:** به طور کلی نتایج نشان‌دهنده برازش و پایایی مناسب ساختار سه‌عاملی پرسش‌نامه است که می‌توان از آن برای تعیین سبک‌های فرزندپروری به منظور اهداف پژوهشی استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها:

ساختار عاملی، پایایی، سبک‌های فرزندپروری، پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری

مقدمه

بامریند که ماکویی و مارتین^۴ آن را توسعه دادند، کار محققان را برای تعمیم‌دادن مدل بامریند به جمعیت‌های بسیار متفاوت تسهیل کرد [۴].

امروزه سبک طبقه‌بندی انواع فرزندپروری که بیشترین و گسترده‌ترین استفاده را در میان پژوهشگران و محققان دارد، توسط ماکویی و مارتین [۴] معرفی شده است که بر اساس کار بامریند [۲] تهیه شده است. آن‌ها سبک‌های فرزندپروری را بر اساس دو بعد طبقه‌بندی کردند: پاسخ‌گری^۵ (گرمی) و درخواست‌گری^۶ (کنترل)^۸. بعد پاسخ‌گری با مهربانی، پذیرش و مراقبت مشخص می‌شود. بعد درخواست‌گری با محدودیت، دخالت و نظم مشخص می‌شود که تعامل این دو بعد چهار

همان‌گونه که بردلی و کالدول^۱ تعریف کرده‌اند، فرزندپروری تنظیم رفتار و رشد کودکان است، با این قصد که بتوانند زندگی اجتماعی پسندیده‌ای داشته باشند، با محیطشان سازگار شوند و هدف‌هایشان را تعقیب کنند [۱]. برای بامریند^۲ که یکی از پیشگامان مطالعه سبک فرزندپروری است، اجتماعی کردن کودک بر اساس خواست جامعه، اما هم‌زمان حفظ احساس تمامیت فردی عنصر کلیدی نقش فرزندپروری است [۲]. بر اساس کارهای اولیه بامریند، والدین با توجه به سبک تربیتی‌شان به سه گروه تقسیم می‌شوند: مقتدرانه، استبدادی و آسان‌گیر^۳ [۳]. در اوایل دهه ۸۰ میلادی، این مدل سه‌بخشی در حوزه رشد کودکان عمیقاً تثبیت شد. دگرگونی سنخ‌شناسی

4. Maccoby & Martin
 5. Responsiveness
 6. Warmth
 7. Demandingness
 8. Control

1. Bradley & Caldwell
 2. Baumrind
 3. Permissive

* نویسنده مسئول:

سیدسپهر هاشمیان

نشانی: تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی بالینی.

تلفن: ۵۲۴۱۷۶۶ (۹۱۵) ۹۸+

پست الکترونیکی: sepehr.hashemian@gmail.com

ادراک اشخاص از پدر و مادر خود را در دو زیرمقیاس مراقبت یا دلسوزی و حمایت افراطی می‌سنجد [۳۰]. روایی پرسش‌نامه از طریق مصاحبه با ۶۵ آزمودنی و همبستگی بالای نمرات مصاحبه و نمرات آزمون ارزیابی شده است و آلفای کرونباخ نسخه فارسی پرسش‌نامه برای ابعاد مراقبت مادرانه، حمایت افراطی مادرانه، مراقبت پدرانه و حمایت افراطی پدرانه به ترتیب برابر ۰/۸۵، ۰/۹۰، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ به دست آمد [۳۱].

بوری [۲۴] پرسش‌نامه PAQ را بر اساس نظریه بامریند [۲] برای اندازه‌گیری سه شیوه مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه ساخته است که نظر دانشجویان را درباره فرزندپروری والدینشان با ۳۰ بخش روی طیف لیکرت می‌سنجد. در مطالعه‌ای با بررسی نسخه فارسی پرسش‌نامه، آلفای کرونباخ برای سبک‌های مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۵ و ۰/۸۴ به دست آمده است. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است که شاخص‌های برازش عبارت بودند از $AGFI=0/89$ ، $GF=0/90$ ، $RMSEA=0/04$ که حاکی از نقش مهم و معنادار هر یک از سؤال‌ها در اندازه‌گیری عامل‌های سبک‌های فرزندپروری است [۳۲].

رابینسون [۲۳] و همکاران [۲۵] پرسش‌نامه PSDQ را بر اساس نظریه بامریند [۲] ساخته‌اند که سه سبک فرزندپروری مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه را با ۶۲ بخش روی طیف لیکرت می‌سنجد که والدین به آن پاسخ می‌دهند. مکلون و مرل [۲۶] پرسش‌نامه PPSQ را بر اساس نظریه بامریند [۲] ساخته‌اند که شامل سه گروه شش‌جمله‌ای برای شناسایی سه سبک مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه است که فرزندان به آن پاسخ می‌دهند. مقیاس اندازه‌گیری در این آزمون مقیاس اسمی است [۳۳، ۳۴]. آریندل [۲۵] و همکاران [۲۷] پرسش‌نامه s-EMBU را ساخته‌اند که ۲۳ بخش با مقیاس اندازه‌گیری لیکرت دارد و فرزندان به آن پاسخ می‌دهند و سه بعد طرد، صمیمیت عاطفی و حمایت افراطی را می‌سنجد [۳۵].

نیومیستر و فینچ [۳۶] بر اساس تئوری بامریند [۲] و ماکویی و مارتین [۴] که در کتاب شیفر [۲۸] ذکر شده است، پرسش‌نامه PSQ را ساخته‌اند که فقط برای همان مطالعه [۳۶] ساخته و استفاده شده است. گفته شده است پایایی و روایی برای این پرسش‌نامه وجود ندارد؛ در نتیجه این ادعای زینالی و همکاران [۲۸] که شیفر پرسش‌نامه را ساخته است، اشتباه است. این پرسش‌نامه شامل چهار بند درباره ادراک فرد از رابطه‌اش با والدین است که یکی از چهار سبک مقتدرانه،

نوع سبک فرزندپروری می‌سازد: سبک فرزندپروری مقتدرانه^۹ (نمرات بالا در هر دو بعد درخواست‌گری و پاسخ‌گری)، سبک فرزندپروری استبدادی^{۱۰} (نمرات بالا در درخواست‌گری و پایین در پاسخ‌گری)، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه^{۱۱} (نمرات بالا در پاسخ‌گری و پایین در درخواست‌گری) و سبک فرزندپروری غافلانه^{۱۲} (نمرات پایین در هر دو بعد پاسخ‌گری و درخواست‌گری) [۵]. در میان تحقیقات درباره سبک‌های فرزندپروری به طور مکرر مشخص شده است سبک‌های فرزندپروری نقش مهمی در دستاوردهای رشدی اشخاص بازی می‌کند [۱۳-۱۶]. از دیدگاه ابعادی دستاوردهای رشدی مثبت کودکان تقریباً همیشه با تأمین تربیت^{۱۳} برای مثال، گرمی و پاسخ‌گری، تشویق استقلال برای مثال دموکراسی و خودمختاری و کنترل مناسب مرتبط بوده است [۲۱-۱۴].

به دلیل همین اهمیت رشدی سبک‌های فرزندپروری برای فرزندان پرسش‌نامه‌های بسیاری برای سنجش سبک‌های فرزندپروری ساخته شده است که تعدادی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده و در تحقیقات فارسی استفاده شده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (BPSI)^{۱۴} [۲۲]، ابزار ارتباط والدینی (PBI)^{۱۵} [۲۳]، پرسش‌نامه اقتدار والدین (PAQ)^{۱۶} [۲۴]، پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری رابینسون (PSDQ)^{۱۷} [۲۵]، پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده (PPSQ)^{۱۸} [۲۶]، پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده (s-EMBU)^{۱۹} [۲۷] و پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری شیفر (PSQ)^{۲۰} [۲۸] اشاره کرد.

پرسش‌نامه BPSI اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسش‌نامه سه شیوه فرزندپروری ذکر شده را هر کدام با ۱۰ عبارت و جمعاً با ۳۰ عبارت توسط پاسخ والدین آن‌ها در مقیاس لیکرت می‌سنجد [۲۹]. پارکر، توپلینگ و براون^{۲۱} پرسش‌نامه PBI را ساخته‌اند که با ۲۵ ماده در طیف لیکرت

9. Authoritative parenting style
10. Authoritarian parenting style
11. Indulgent parenting style
12. Neglectful parenting style
13. Supply of nurture
14. Baumrind Parenting Style Inventory (BPSI)
15. Parental Bonding Instrument (PBI)
16. Parental Authority Questionnaire (PAQ)
17. Parenting Style Dimensions Questionnaire (PSDQ)
18. Perceived parenting Style Questionnaire (PPSQ)
19. Perceived parental rearing behavior (s-EMBU)
20. Parenting Style Questionnaire (PSQ)
21. Parker, Tupling & Brown

22. Buri

23. Robinson

24. McClun & Merrell

25. Arrindell

26. Neumeister & Finch

وضوح مفهومی سازه و فرمت کوتاه آن بود. در نتیجه PSI II ارائه شد که باعث دو تغییر اساسی شد. آن دو تغییر عبارت بودند از: ۱. بخش‌هایی اضافه در نظر گرفته شدند تا سوگیری مثبت در پاسخ‌ها را کاهش دهند و دامنه وسیع‌تری از سازه درخواست‌گری را بسنجند. ۲. ابزار از فرمت لیکرت چهارگزینه‌ای که فقط گزینه‌های مثبت و منفی با درجات متفاوت داشت، به لیکرت پنج‌گزینه‌ای با قابلیت انتخاب پاسخ خنثی تغییر کرد [۳۷].

دارلینگ و تویوکاتا [۳۷] آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های درخواست‌گری، پاسخ‌گری و خودمختاری را در PSI II که هر کدام با پنج بخش بر روی طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای شامل کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم، سنجیده می‌شوند، به ترتیب برابر ۰/۷۲، ۰/۷۴، و ۰/۷۵ گزارش کردند. بعد خودمختاری، سازه مشابه بعد حمایت افراطی در PBI و S-EMBU را می‌سنجد؛ در نتیجه در ابزارهای ذکر شده سازه درخواست‌گری سنجیده نمی‌شود و نمی‌توان در آن‌ها با تلفیق پاسخ‌گری و درخواست‌گری به چهار سبک فرزندپروری مدنظر یعنی مقتدرانه، استبدادی، سهل‌گیرانه و غافلانه دست یافت.

با توجه به مطالب ذکر شده هدف و علت اصلی اجرای پژوهش حاضر فراهم کردن ابزاری معتبر، کامل، جامع و جدید برای سنجش سبک‌های فرزندپروری برای استفاده در جامعه ایران بود که در این راستا مطالعه حاضر به ترجمه و بازگردانی پرسش‌نامه سبک فرزندپروری ۲ به دلیل مزیت‌های آن بر دیگر پرسش‌نامه‌های موجود به فارسی و همچنین به بررسی ساختار عاملی و همسانی درونی مقیاس در جامعه ایران می‌پردازد.

روش

این مطالعه توصیفی و از نوع ارزیابی خصوصیات روانسنجی پرسشنامه PSI II بود. تیم پژوهش، این پرسش‌نامه را به زبان فارسی ترجمه کردند و سپس دو تن از اعضای هیئت علمی گروه روانشناسی دارای دکتری روانشناسی بالینی، متن ترجمه‌شده را از نظر قابل فهم و رسا بودن بازبینی کردند و اصلاحات اعلام‌شده اعمال شد. سپس دو نفر فوق لیسانس رشته مترجمی زبان انگلیسی با روش ترجمه معکوس، پرسش‌نامه ترجمه‌شده را به انگلیسی برگرداندند. پس از تأیید تغییر نکردن مفاهیم بر اثر ترجمه، پرسش‌نامه‌ها به ۵۰ نفر از دانشجویان مقطع ارشد و دکتری رشته‌های روانشناسی، ادبیات و تربیت‌بدنی داده شد و از آن‌ها خواسته شد نظر خود را درباره سؤالات اعلام کنند تا اشکالات احتمالی موجود مشخص شود. سپس پرسش‌نامه نهایی تهیه و اجرا شد. ملاک ورود به مطالعه دانشجویان بودن افراد و پاسخ‌نامه با کمتر از پنج درصد اندازه ازدست‌رفته بود و ملاک خروج از مطالعه پرسش‌نامه‌ای با بیشتر از پنج درصد اندازه ازدست‌رفته و پاسخ‌گویی تصادفی به سؤالات بر اساس متن کتاب میرز، در کتابی با عنوان «تحلیل واریانس چندگانه» بود.

استبدادی، سهل‌گیرانه و غافلانه را با انتخاب یکی از بندها توسط فرد مشخص می‌کند [۳۶].

برخی از پرسش‌نامه‌های ذکر شده تنها سه سبک فرزندپروری مدنظر بامریند [۲] را اندازه‌گیری می‌کنند و برخی فقط یک بعد مطابق با بعد پاسخ‌گری در نظریه ماکویی و مارتین [۴] را مدنظر قرار داده بودند و به درخواست‌گری توجه نکرده بودند. برخی از پرسش‌نامه‌ها نیز به جای سنجش نظر فرزندان و بررسی سبک فرزندپروری ادراک‌شده، نظر والدین درباره نحوه فرزندپروری را سنجش کرده بودند. تنها پرسش‌نامه‌ای که همه مشکلات ذکر شده را برطرف کرده بود، پرسش‌نامه PSQ است که به دلیل سبک انتخاب اجباری آن از میان چهار بنده، امکان انتخاب بخش‌هایی از هر سبک را که حالت متعادل‌تری است، از فرد می‌گیرد. همچنین فرد نمره‌ای در سبک انتخاب‌شده نمی‌گیرد که قابل مقایسه با نمره دیگران باشد. به طور کلی، نیز هیچ کدام از پرسش‌نامه‌های ذکر شده به غیر از پرسش‌نامه PAQ در روند ترجمه و بازگردانی به زبان فارسی از نظر روایی سازه بررسی نشده بودند و فقط به گزارش ضرایب پایایی بازآزمایی و پایایی درونی اکتفا کرده بودند. پرسش‌نامه PAQ نیز همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، تنها سه سبک را می‌سنجد.

با این حال، دارلینگ و تویوکاتا [۳۷] پرسش‌نامه‌ای که چهار سبک فرزندپروری مدنظر ماکویی و مارتین [۴] را بسنجند، نظر فرزندان را درباره سبک ادراک‌شده جویا شود و کوتاه و قابل فهم باشد، با نام پرسش‌نامه سبک فرزندپروری ۲ (PSI II) ارائه کردند. پرسش‌نامه سبک فرزندپروری ۱ (PSI I) به منظور اندازه‌گیری سازه سبک فرزندپروری مستقل از کردار فرزندپروری ساخته شد، زیرا یکی از اهداف پرسش‌نامه مذکور، مهیا کردن امکان مقایسه رابطه سبک فرزندپروری با دستاورد فرزندان در جمعیت و دامنه سنی نسبتاً وسیع بود. همچنین تمایل بر این بود پرسش‌نامه طوری طراحی شود تا کوتاه و از لحاظ مفهومی ساده و پایا باشد. پرسش‌نامه PSI I شامل سه خرده‌مقیاس پاسخ‌گری، درخواست‌گری و خودمختاری دادن است که گرچه آزمون‌های اولیه پایایی در جمعیت دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان و دانشجویان سال اول مقادیر قابل قبولی از پایایی را نشان می‌داد (برای هر کدام از خرده‌مقیاس‌های پاسخ‌گری، درخواست‌گری و خودمختاری به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۲ و ۰/۸۲)، آزمون پایایی در جمعیت سال هفتمی‌ها اندکی مشکل‌زا بود (برای هر کدام از خرده‌مقیاس‌های پاسخ‌گری، درخواست‌گری و خودمختاری به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۶۲ و ۰/۵۸).

به همین منظور در ابزار بازنگری انجام گرفت که هدف آن افزایش هماهنگی و تغییرپذیری درونی بخش‌ها در عین حفظ

27. Darling & Toyokawa

28. Parenting Style Inventory

پاسخ‌گری و خودمختاری به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۴، ۰/۷۵ بود که نشان‌دهنده پایایی خوبی است. هاردی، باتاچارجی، رید و آکوئینو^{۳۱} آلفای کرونباخ را برای عوامل عنوان‌شده به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۲، ۰/۶۱، به دست آوردند [۳۴].

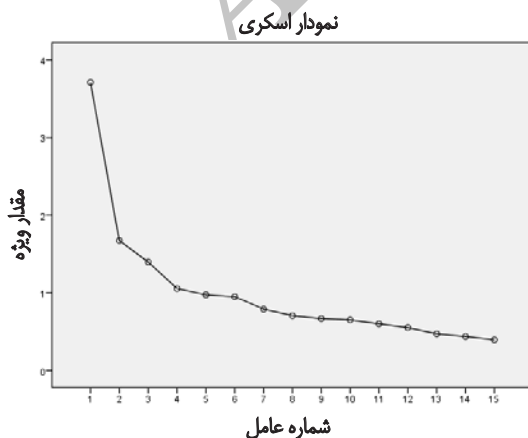
یافته‌ها

از آزمودنی‌ها ۱۹۲ نفر (۵۰/۴ درصد) مرد و ۱۸۹ (۴۹/۶ درصد) زن بودند که ۳۴۱ (۸۹/۵ درصد) نفر از آن‌ها مجرد و ۴۰ (۱۰/۵ درصد) متأهل بودند و در مقاطع کارشناسی (۲۸۴ نفر، ۷۴/۵ درصد)، کارشناسی ارشد (۹۳ نفر، ۲۴/۴ درصد) و دکتری (۴ نفر، ۱ درصد) در حال تحصیل بودند. از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس برای تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که نمودار اسکرین مربوط به سهم ارزش ویژه عوامل در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است.

با اجرای تحلیل عاملی نتایج با توجه به پیش‌فرض ارزش ویژه بیشتر از ۱، نمودار اسکرین تصویر شماره ۱ راه حل چهارعاملی را پیشنهاد می‌کند. اما با توجه به اینکه تعداد عامل‌های پرسش‌نامه اصلی سه عامل است، راه حل سه‌عاملی نیز در نظر گرفته شد. در نتیجه تحلیل مؤلفه‌های اصلی به همراه چرخش واریماکس با ۳ و ۴ عامل انجام گرفت. اندازه‌های ارزش ویژه، درصد واریانس هر عامل و واریانس تجمعی برای هر دو راه حل سه‌عاملی و چهارعاملی به ترتیب در جداول شماره ۱ و ۲ نشان داده شده است. نتایج جداول نشان می‌دهند راه حل سه‌عاملی ۴۵/۱۳ و راه حل چهارعاملی ۵۲/۱۷ درصد از واریانس سازه سبک‌های فرزندپروری را تبیین می‌کنند.

به منظور انتخاب مدل بهتر از میان دو مدل سه‌عاملی و

31. Hardy, Bhattacharjee, Reed & Aquin



مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران

تصویر ۱. نمودار اسکرین مربوط به ارزش ویژه تعیین شده توسط عوامل سبک‌های فرزندپروری

برای بررسی اعتبار ساختار پرسش‌نامه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. کفایت اندازه نمونه بر اساس شاخص کایزر-مایر-اولکین (29KMO) و آزمون کرویت بارتلت قابل قبول بود. اندازه شاخص KMO برابر ۰/۷۹ بود که نشان‌دهنده کفایت اندازه نمونه برای انجام تحلیل عاملی است و آزمون کرویت بارتلت معنادار شد (Sig.=۰/۰۰۰) که فرضیه نبود همبستگی کافی بین متغیرها را رد کرد؛ در نتیجه پیش‌فرض‌های انجام تحلیل عاملی اکتشافی برقرار بود. تعداد عوامل سازنده مقیاس با توجه به اندازه ارزش‌های ویژه عوامل، واریانس تبیین‌شده هر عامل، واریانس تجمعی و با توجه به نمودار اسکرین تعیین شد و در نهایت تحلیل عاملی تأییدی آن را بررسی و تأیید کرد.

آزمودنی‌ها

حجم نمونه پژوهش با استفاده از جدول مورگان تعیین شد که شامل ۳۸۱ نفر بود که به صورت تصادفی خوشه‌ای از فهرست جامعه ۷۷۰۰ نفری دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری انتخاب شدند. ۸۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد که ۵۶۳ عدد از آن‌ها برگشت داده شد و پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص و غربالگری داده‌ها، این تعداد به ۳۸۱ پرسش‌نامه کاهش یافت.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه سبک فرزندپروری ۲ (PSI II)

دارلینگ و توپوکاوا برای اندازه‌گیری سبک‌های فرزندپروری این پرسش‌نامه را طراحی کردند [۳۷]. سه خرده‌مقیاس در این ابزار سنجش می‌شوند: درخواست‌گری (درجه‌ای از انتظارات و استانداردها که والدین از فرزندان انتظار دارند رعایت کنند)، پاسخ‌گری (درجه حساس‌بودن و پاسخ‌گو بودن به نیازهای هیجانی فرزندان) و خودمختاری دادن^{۳۰} (درجه‌ای که هرکدام از والدین به فرزندان‌شان اجازه می‌دهند ایده‌ها، عقاید و دیدگاه‌های خود را گسترش دهند و آن‌ها را تشویق می‌کنند).

این ابزار شامل ۱۵ بخش است که روی یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود و خرده‌مقیاس درخواست‌گری با بخش‌های ۱۲، ۸، ۷، ۱ و ۱۴؛ پاسخ‌گری با بخش‌های ۱۳، ۱۱، ۵، ۲ و ۱۵؛ و خودمختاری دادن با بخش‌های ۳، ۴، ۶، ۹ و ۱۰ سنجیده می‌شوند. هرکدام از خرده‌مقیاس‌ها با پنج بخش سنجیده می‌شوند. در نهایت از میانگین ابعاد درخواست‌گری و پاسخ‌گری برای طبقه‌بندی شرکت‌کنندگان در چهار نوع سبک فرزندپروری مقتدرانه، استبدادی، سهل‌گیرانه، غافلانه استفاده می‌شود. آلفای کرونباخ در مطالعه دارلینگ و توپوکاوا [۳۷] برای عوامل درخواست‌گری،

29. Kaiser-Meyer-Olkin

30. Autonomy Granting

جدول ۱. اندازه‌های ارزش ویژه، درصد واریانس هر عامل و درصد واریانس تجمعی راه حل سه‌عاملی

عامل‌ها	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۳/۷۰	۲۴/۷۰	۲۴/۷۰
۲	۱/۶۷	۱۱/۱۳	۳۵/۸۳
۳	۱/۳۹	۹/۳۰	۴۵/۱۳

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالین ایران

جدول ۲. اندازه‌های ارزش ویژه، درصد واریانس هر عامل و درصد واریانس تجمعی راه حل چهارعاملی

عامل‌ها	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۳/۷۰	۲۴/۷۰	۲۴/۷۰
۲	۱/۶۷	۱۱/۱۳	۳۵/۸۳
۳	۱/۳۹	۹/۳۰	۴۵/۱۳
۴	۱/۰۵	۷/۰۳	۵۲/۱۷

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالین ایران

با توجه به برازش بهتر ساختار عاملی مدل سه‌عاملی با داده‌ها، این مدل که هماهنگ با مدل اصلی که آن هم سه‌عاملی است و بهتر نمایانگر جامعه است، به عنوان مدل اصلی انتخاب شد. با این حال، این تفاوت میان مدل سه‌عاملی پدیدار شده در تحلیل عاملی در مطالعه حاضر و مدل سه‌عاملی پرسش‌نامه اصلی وجود دارد که بخش‌های زیر عامل‌ها با هم متفاوتند و محتوای بخش‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌هایی در محتوای عامل‌های نمایان شده است. با توجه به مدل اصلی پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری و با در نظر گرفتن طبقه‌بندی اصلی پرسش‌نامه و محتوای بخش‌ها، عامل ۱، پاسخ‌گری ن و عامل ۳ درخواست‌گری نام‌گذاری شد. عامل خودمختاری در پرسش‌نامه اصلی در مطالعه حاضر نمایان نشد، اما عامل ۲ را که شامل بخش‌هایی مبنی بر میزان اهمیت‌دادن و توجه مادر به فرد است، با توجه به ادبیات می‌توان «غفلت» نامید.

همسانی درونی عوامل پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد که آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر ۰/۶۶ بود. نتایج برای هر کدام از خرده‌مقیاس‌های پاسخ‌گری، غفلت و درخواست‌گری به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۰، ۰/۵۳ به دست آمد. از روش آزمون‌بازآزمون نیز برای بررسی پایایی پرسش‌نامه استفاده شد. بدین ترتیب که ۳۰ دانشجو انتخاب و پس از دو هفته دوباره

چهارعاملی از تحلیل عاملی تأییدی برای هر مدل استفاده شد. همچنین از شاخص‌های برازش جذر میانگین مجذورات باقیمانده (RMSEA)^{۳۲}، شاخص نیکویی برازش (GFI)^{۳۳}، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI)^{۳۴}، شاخص برازش تطبیقی (CFI)^{۳۵}، شاخص برازش هنجار شده (NFI)^{۳۶} و شاخص آکائیک (AIC)^{۳۷} برای بررسی میزان برازش مدل‌ها و مقایسه آن‌ها استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

نتایج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که همه شاخص‌های برازش برای هر دو مدل سه‌عاملی و چهارعاملی تقریباً برابرند، به غیر از شاخص آکائیک که با توجه به اندازه کمتر در مدل سه‌عاملی، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل سه‌عاملی است. بار عاملی سوالات روی عامل‌ها برای مدل سه‌عاملی در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

- 32. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
- 33. Goodness of Fit Index (GFI)
- 34. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
- 35. Comparative Fit Index (CFI)
- 36. Nonnormed Fit Index (NFI)
- 37. Akaike Information Criterion (AIC)

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل‌های سه‌عاملی و چهارعاملی

مدل	df	X ^۲	RMSEA	CFI	NFI	GFI	AGFI	AIC
سه‌عاملی	۸۸	۳۷۵/۸۰	۰/۰۹	۰/۷۵	۰/۷۰	۰/۸۸	۰/۸۴	۴۳۹/۸۰
چهارعاملی	۸۵	۳۷۲/۳۹	۰/۰۹	۰/۷۵	۰/۷۰	۰/۸۸	۰/۸۳	۴۴۲/۳۹

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالین ایران

جدول ۴. بخش‌های پرسش‌نامه سبک فرزندپروری و بارهای عاملی آن‌ها در مدل سه‌عاملی

بخش‌ها	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳
۴	۰/۶۶		
۶	۰/۵۴		
۱۰	۰/۶۵		
۱۱	۰/۶۹		
۱۲	۰/۵۰		
۱۳	۰/۶۸		
۱۵	۰/۶۰		
۲		۰/۶۹	
۳		۰/۳۷	
۵		۰/۴۱	
۷		۰/۶۶	
۱			۰/۴۹
۸			۰/۷۴
۹			۰/۵۹
۱۴			-۰/۵۳

مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالین ایران

گرمی والدینی را از طریق ارتباط کلامی یا پشتیبانی از طریق کمک‌کردن در تمرینات مدرسه ابراز نمی‌کنند. ضرایب مطالعه حاضر با ضرایب متوسط مطالعه دارلینگ و استینبرگ [۳۹] در پرسش‌نامه PSI I روی جمعیت دانش‌آموزان سال هفتمی هماهنگی دارد که در آن ضرایب به ترتیب برای درخواست‌گری، پاسخ‌گری و خودمختاری دادن برابر ۰/۶۸، ۰/۶۲، و ۰/۵۸ بود.

مقدار متوسط ضرایب مطالعه حاضر در مقایسه با مطالعه اصلی با توجه به جابه‌جایی بخش‌ها میان عوامل، طبیعی به نظر می‌رسد. مطالعه دیگر نیز ضریب همسانی درونی برای درخواست‌گری، پاسخ‌گری و کل مقیاس را برابر ۰/۶۶، ۰/۸۱، و ۰/۷۴ به دست آورد [۴۰] که ضرایبی نسبتاً بالا به شمار می‌روند و البته با این تفاوت با مطالعه حاضر که در مطالعه مذکور از پرسش‌نامه اصلی و با زبان اصلی استفاده شده است و در فرهنگ دیگری نیز استفاده نشده است. در مطالعه دیگری که پرسش‌نامه در مالزی استفاده شده است، نتایج آلفای کرنباخ برای عوامل درخواست‌گری، پاسخ‌گری و خودمختاری دادن به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۴، و ۰/۵۷ به دست آمده است [۴۱] که در آن ضرایب درخواست‌گری و پاسخ‌گری نسبتاً بالا و ضریب خودمختاری دادن متوسط است. با این حال به نتیجه این مطالعه با توجه به اینکه عوامل درخواست‌گری، پاسخ‌گری و خودمختاری دادن را با سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه اشتباه گرفته بودند، نمی‌توان اعتماد کرد. مطالعات دیگری نیز ضرایب نسبتاً بالا و قابل‌قبولی

39. Darling & Steinberg

به پرسش‌نامه پاسخ دادند که نتایج تحلیل همبستگی نشان داد نمرات آزمون با نمرات بازآزمون با ضریب همبستگی ۰/۷۷ به طور معنادار رابطه دارند (Sig.=۰/۰۰۰) که نشان می‌دهد ابزار پایایی خوبی دارد.

بحث

همان‌طور که در قسمت نتایج گفته شد، پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی بخش‌های پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری ۲ در مطالعه حاضر روی عوامل متفاوتی از پرسش‌نامه اصلی بار گرفت. در نهایت با توجه به محتوای بخش‌ها نام‌گذاری جدیدی صورت گرفت و به حذف عامل خودمختاری دادن در پرسش‌نامه اصلی و اضافه‌شدن عامل غفلت در پرسش‌نامه هنجاریابی شده منجر شد.

جابه‌جایی بخش‌ها روی عوامل در پرسش‌نامه هنجاریابی شده را می‌توان به این مسئله مرتبط دانست که بعضی از بخش‌ها که به نظر سازندگان پرسش‌نامه اصلی [۳۷] از لحاظ محتوایی عامل خاصی را می‌سنجیدند، در ذهن پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه در جامعه ایران مسئله دیگری را بازنمایی می‌کردند که همین مسئله باعث کنار هم قرارگرفتن آن‌ها در عامل متفاوتی شد. از آنجا که محتوای بسیاری از بخش‌ها شباهت زیادی به یکدیگر داشتند، این اتفاق طبیعی به نظر می‌رسد. در همین راستا استوارت^{۳۸} و همکاران [۳۸] عنوان می‌کنند که همه گروه‌های فرهنگی

38. Stewart

متفاوت برای بررسی روایی همگرا و افتراقی اشاره کرد. در نتیجه تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت پذیرد. پیشنهاد می‌شود این مطالعه روی نمونه‌های متنوع دیگر با تنوع سنی بیشتر و با اندازه بیشتر انجام گیرد تا تکرارپذیری نتایج آزموده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده برای تکمیل و مقایسه نتایج حاصل از پرسش‌نامه از مصاحبه استفاده کنند. همچنین برای بررسی روایی ساختار، روایی همگرا و افتراقی از پرسش‌نامه‌های مشابه و متفاوت استفاده شود.

سپاسگزاری

بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، تعارض منافع و حامی مالی وجود نداشته است.

را برای عوامل پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری گزارش کرده‌اند [۴۵-۴۲].

با وجود اینکه در بسیاری از مطالعات ضریب همسانی درونی در پرسش‌نامه‌ها بررسی شده است، هیچ‌کدام از آن‌ها حتی مطالعه اصلی [۳۷] تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی روایی سازه پرسش‌نامه انجام نداده‌اند. جای تعجب نیست که در مطالعه اصلی و مطالعات دیگر ضرایب همسانی درونی عوامل ضرایب نسبتاً بالایی به دست آمده است زیرا همان‌طور که دارلینگ و تویوکاتا [۳۷] در مطالعه خود عنوان کرده‌اند، برای هر عامل پنج بخش را طوری انتخاب کرده‌اند که عامل تشکیل‌شده بیشترین میزان آلفای کرنباخ را داشته باشد؛ با این حال معلوم نیست اگر تحلیل عاملی اکتشافی برای کل بخش‌های اولیه انجام می‌شد ساختاری مشابه ساختار نهایی ارائه‌شده نمایان می‌شد یا نه.

در مطالعه حاضر ضریب پایایی آزمون بازآزمون مقدار نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد (۰/۷۷). با این حال متناسب با ضرایب همسانی درونی، شاخص‌های برازش مدل در تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های متوسطی را نشان می‌دهند که البته در مطالعه حاضر تحلیل عاملی تأییدی بیشتر به منظور کمک به تصمیم در انتخاب از میان دو ساختار سه‌عاملی و چهارعاملی نمایان‌شده در تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

نتیجه‌گیری

می‌توان گفت این پرسش‌نامه پایایی نسبی دارد و تحلیل عوامل نیز عوامل پرسش‌نامه اصلی را با تغییراتی نمایان می‌کند و به طور کلی می‌توان از آن برای انجام کارهای پژوهشی استفاده کرد. نکته دیگری که حائز اهمیت است، این است که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی بسیار در حوزه فرزندپروری، شاید بهتر باشد از ابتدا ابزاری مستقل ساخته شود. همان‌طور که غفور و کورکان^{۴۰} [۴۶] پس از بررسی بسیاری از ابزارهای سبک‌های فرزندپروری تصمیم گرفتند ابزاری متناسب با سنت‌های فرزندپروری شرقی و زمینه فرهنگی خود در هند بسازند. مطالعه دیگری نیز با تأکید بر ارتباط سبک‌های فرزندپروری با زمینه فرهنگی، با وجود اینکه مدل‌های فرزندپروری غربی را به دلیل پیشرفتگی زیاد، نقطه شروعی منطقی برای مطالعات مرتبط با سبک‌های فرزندپروری در دیگر فرهنگ‌ها می‌داند، حتی استفاده از بخش‌های پرسش‌نامه‌های غربی را به دلیل خطر تحمیل کردن قالب فرهنگی غربی که ممکن است باعث گم‌شدن روابط کلیدی در فرهنگ‌های غیرغربی شود، در ساختن پرسش‌نامه در فرهنگ‌های غیرغربی جایز نمی‌داند [۴۷].

از محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به استفاده از ابزار خودگزارشی و جمعیت مطالعه که تنها دانشجویان را شامل می‌شد و همچنین استفاده نکردن از پرسش‌نامه‌های مشابه و

References

- [1] Bradley RH, Caldwell BM. Caregiving and the regulation of child growth and development: Describing proximal aspects of caregiving systems. *Developmental Review*. 1995; 15(1):38-85. doi: 10.1006/drev.1995.1002
- [2] Baumrind D. Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*. 1971; 4(1, Pt.2):1-103. doi: 10.1037/h0030372
- [3] Dornbusch SM, Ritter PL, Leiderman PH, Roberts DF, Fraleigh MJ. The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Development*. 1987; 58(5):1244-57. doi: 10.2307/1130618
- [4] Maccoby EE, Martin JA. Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In: Hetherington EM, Mussen PH, editors. *Handbook of Child Psychology, Socialization, Personality and Social Development*. Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons; 1983.
- [5] Fan J, Zhang L. The role of perceived parenting styles in thinking styles. *Learning and Individual Differences*. 2014; 32:204-11. doi: 10.1016/j.lindif.2014.03.004
- [6] Collins WA, Maccoby EE, Steinberg L, Hetherington EM, Bornstein MH. Contemporary research on parenting: The case for nature and nurture. *American Psychologist*. 2000; 55(2):218-32. doi: 10.1037/0003-066x.55.2.218
- [7] Steinberg L, Morris AS. Adolescent development. *Journal of Cognitive Education and Psychology*. 2001; 2(1):55-87. doi: 10.1891/194589501787383444
- [8] Bornstein L, Bornstein MH. *Parenting styles and child social development*. 2nd edition. New York: National Institute of Child Health and Human Development, 2014.
- [9] Chen WW. The relations between perceived parenting styles and academic achievement in Hong Kong: The mediating role of students' goal orientations. *Learning and Individual Differences*. 2015; 37:48-54. doi: 10.1016/j.lindif.2014.11.021
- [10] Kenney SR, Lac A, Hummer JF, Grimaldi EM, LaBrie JW. Pathways of parenting style on adolescents' college adjustment, academic achievement, and alcohol risk. *Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice*. 2015; 17(2):186-203. doi: 10.1177/1521025115578232
- [11] ZAhedani Zz, Rezaee R, Yazdani Z, Bagheri S, Nabeiei P. The influence of parenting style on academic achievement and career path. *Journal of Advances in Medical Education & Professionalism*. 2016; 4(3):130-4. PMID: PMC4927255
- [12] Doctoroff GL, Arnold DH. Doing homework together: The relation between parenting strategies, child engagement, and achievement. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 2017; 48:103-13. doi: 10.1016/j.appdev.2017.01.001
- [13] Perry RA, Daniels LA, Bell L, Magarey AM. Facilitators and barriers to the achievement of healthy lifestyle goals: Qualitative findings from Australian parents enrolled in the peach child weight management program. *Journal of Nutrition Education and Behavior*. 2017; 49(1):43-52. doi: 10.1016/j.jneb.2016.08.018
- [14] Baldwin AL. Socialization and the parent-child relationship. *Child Development*. 1948; 19(3):127-36. doi: 10.2307/1125710
- [15] García F, Gracia E. The indulgent parenting style and developmental outcomes in South European and Latin American countries. In: Selin H, editors. *Parenting Across Cultures*. Science Across Cultures: The History of Non-Western Science. Berlin: Springer; 2014.
- [16] Karim AR, Sharafat T, Mahmud AY. Cognitive emotion regulation in children as related to their parenting style, family type and gender. *Journal of the Asiatic Society of Bangladesh, Science*. 2014; 39(2):211-20. doi: 10.3329/jasbs.v39i2.17860
- [17] Liew J, Kwok O, Chang Y-p, Chang BW, Yeh YC. Parental autonomy support predicts academic achievement through emotion-related self-regulation and adaptive skills in Chinese American adolescents. *Asian American Journal of Psychology*. 2014; 5(3):214-22. doi: 10.1037/a0034787
- [18] Hasyim NNF, Naimie Z, Abuzaid RA, Halili SH, Siraj S. The relationship between authoritative parenting style and academic achievement. Paper presented at: The Annual International Conference on Management and Technology in Knowledge, Service, Tourism & Hospitality. 23-24 August 2014; Jakarta, Indonesia.
- [19] Sangawi H, Adams J, Reissland N. The impact of parenting styles on children developmental outcome: The role of academic self-concept as a mediator. *International Journal of Psychology*. 2016. doi: 10.1002/ijop.12380.
- [20] Merz EC, Landry SH, Montroy JJ, Williams JM. Bidirectional associations between parental responsiveness and executive function during early childhood. *Social Development*. 2016; 26(3):591-609. doi: 10.1111/sode.12204
- [21] Soenens B, Deci EL, Vansteenkiste M. How Parents Contribute to Children's Psychological Health: The Critical Role of Psychological Need Support. In: Wehmeyer M, Shogren K, Little T, Lopez S, editors. *Development of Self-Determination Through the Life-Course*. Berlin: Springer; 2017.
- [22] Baumrind D. The development of instrumental competence through socialization. In: Pick A, editor. *Minnesota Symposia on Child Psychology*. Minneapolis: University of Minnesota Press; 1973.
- [23] Parker G, Tupling H, Brown L. A parental bonding instrument. *British Journal of Medical Psychology*. 1979; 52(1):1-10.
- [24] Buri JR. Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*. 1991; 57(1):110-9. doi: 10.1207/s15327752jpa5701_13
- [25] Robinson CC, Mandleco B, Olsen SF, Hart CH. Authoritative, authoritarian, and permissive parenting practices: Development of a new measure. *Psychological Reports*. 1995; 77(3):819-30. doi: 10.2466/pr0.1995.77.3.819
- [26] McClun LA, Merrell KW. Relationship of perceived parenting styles, locus of control orientation, and self-concept among junior high age students. *Psychology in the Schools*. 1998; 35(4):381-90. doi: 10.1002/(sici)1520-6807(199810)35:4<381::aid-pits9>3.3.co;2-j
- [27] Arrindell WA, Sanavio E, Aguilar G, Sica C, Hatzichristou C, Eisemann M, et al. The development of a short form of the EMBU: Its appraisal with students in Greece, Guatemala, Hungary and Italy. *Personality and Individual Differences*. 1999; 27(4):613-28. doi: 10.1016/s0191-8869(98)00192-5
- [28] Zeinali A, Vahdat R, Garadingeh K. [The Relationship Between Parenting Style and Addiction Susceptibility in Children (Persian)]. *Journal of Family Research*. 2010; 6(23):335-52.
- [29] Moazen T, Aghei A, Golparvar M. [Predicted Students Attachment styles based on parents parenting styles (Persian)]. *Journal of Educational Sciences*. 2014; 7(25):87-99.

- [30] Danesh E, Rezaabakhsh H, Bahmani Z, Saliminia N. [Relationship between parenting styles and sexual self esteem and its' components in university students (Persian.)]. *Journal of Applied Psychology*. 2011; 5(3): 39-55.
- [31] Ghannadi F, Abdollahi MH. [The relationship between perceptions of parental behavior and early maladaptive schemas (Persian)]. *Clinical Psychology Studies*. 2014; 4(16):129-51.
- [32] Ejei J, Lavasani M G, Malahmadi E, Khezri M. [The relationship between parenting styles and academic achievement through the mediating influences of achievement goals and academic (Persian)]. *Journal of Psychology*. 2011; 15(3):284-301.
- [33] Alizadeh H, Andries C. Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child & Family Behavior Therapy*. 2002; 24(3):37-52. doi: 10.1300/j019v24n03_03
- [34] Purabddoli M, Kadivar, P, Homayuni A. [To investigate the relationship between motherparenting styles and their children's perception (Persian)]. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2008; 10(37):107-28.
- [35] Hassani M, Fathi-Ashtiani A, Rasoolzadeh-Tabatabaei SK. [A comparison of early maladaptive schemas and perceived parental rearing behaviors in couples with problem-focused and emotion-focused coping style (Persian.)]. *International Journal of Behavioral Sciences*. 2012; 6(3):9-10.
- [36] Neumeister KLS, Finch H. Perfectionism in high-ability students: Relational precursors and influences on achievement motivation. *Gifted Child Quarterly*. 2006; 50(3):238-51. doi: 10.1177/001698620605000304
- [37] Darling N, Toyokawa T. Construction and validation of the parenting style inventory II (PSI-II). Pennsylvania: The Pennsylvania State University; 1997.
- [38] Stewart SM, Bond MH, Zaman RM, McBride-Chang C, Rao N, Ho L, et al. Functional parenting in Pakistan. *International Journal of Behavioral Development*. 1999; 23(3):747-70. doi: 10.1080/016502599383784
- [39] Darling N, Steinberg L. Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*. 1993; 113(3):487-96. doi: 10.1037//0033-2909.113.3.487
- [40] Vargas C. [Perceived parenting styles influence on contraceptive use among adolescents: a retrospective study on young adults' behavior] [MSc. thesis]. Gainesville, Florida: University of Florida; 2010.
- [41] Ying GL. [Perceived parenting style and youth suicidality in Malaysia: Department of Psychology and Counseling, Faculty of Arts and Social Science] [MSc. thesis]. Petaling Jaya: Universiti Tunku Abdul Rahman; 2013.
- [42] Carlo G, McGinley M, Hayes R, Batenhorst C, Wilkinson J. Parenting styles or practices? Parenting, sympathy, and prosocial behaviors among adolescents. *The Journal of Genetic Psychology*. 2007; 168(2):147-76. doi: 10.3200/gntp.168.2.147-176
- [43] Hardy SA, Bhattacharjee A, Reed II A, Aquino K. Moral identity and psychological distance: The case of adolescent parental socialization. *Journal of Adolescence*. 2010; 33(1):111-23. doi: 10.1016/j.adolescence.2009.04.008
- [44] Bastaits K, Ponnet K, Mortelmans D. Parenting of divorced fathers and the association with children's self-esteem. *Journal of Youth and Adolescence*. 2012; 41(12):1643-56. doi: 10.1007/s10964-012-9783-6
- [45] Lam CB, Solmeyer AR, McHale SM. Sibling relationships and empathy across the transition to adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*. 2012; 41(12):1657-70. doi: 10.1007/s10964-012-9781-8
- [46] Abdul Gafor K, Kurukkan A. Construction and Validation of Scale of Parenting Style. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences*. 2014; 2(4):315-23.
- [47] Batool SS, Mumtaz AN. Development and Validation of Parenting Style Scale. *Pakistan Journal of Psychological Research*. 2015; 30(2):225-48.